

سه شنبه 17 اسفند 1395 - 8 جمادی الثاني 1438 - 7 مارس 2017

در زمان شیخ محمد خیابانی، اوضاع جهان اسلام و بالخصوص ایران به خاطر دخالت‌های بیگانگان از جمله روسیه، انگلیس و آلمان بسیار آشفته و تأسفانگیز بود.

تأسیس "حزب دموکرات" تبریز توسط روحانی مجاهد شیخ "محمد خیابانی" (1295 ش)

در زمان شیخ محمد خیابانی، اوضاع جهان اسلام و بالخصوص ایران به خاطر دخالت‌های بیگانگان از جمله روسیه، انگلیس و آلمان بسیار آشفته و تأسفانگیز بود. در این حال، شیخ محمد خیابانی، روحانی دلاور و آذربایجانی برای قطع ایادی استعمار و مبارزه با بیگانگان و ستمکاران داخلی، در هفدهم اسفند 1295 ش برابر با 14 جمادی الاول 1335 ق حزب دموکرات تبریز را به وجود آورد. خیابانی، سازمان سیاسی خود را دموکرات ملی، و آذربایجان را آزادستان نامید. با وجود اینکه قیام خیابانی، شوروی‌ها را به وسوسه انداخته بود، ولی طولی نکشید که دریافتند رهبر نهضت نه تنها روی خوش به آن‌ها نشان نمی‌دهد بلکه نسبت به پیاده شدن قوای شوروی در بندر انزلی سخت معترض است. شیخ محمد خیابانی در حالی دست به این اقدام زد که مردم به خاطر فروپاشی حکومت تزاری روس، غرق شادی بودند و خروج نظامیان روسیه از تبریز را آرزو می‌کردند. خیابانی در این هنگام دوستان آزادی‌خواه و مبارز خود را که اغلب دموکرات نامیده می‌شدند گرد آورد و کمیته‌ای تشکیل داد و درباره وضع پیش آمده، به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری پرداخت. شیخ محمد خیابانی، نمایندگان فرقه دموکرات و دیگر آزادی‌خواهان را از سراسر آذربایجان به تبریز دعوت کرد و تشکیلات فرقه دموکرات که از پنج سال قبل تعطیل شده بود، دوباره تأسیس شد.

" " " " (1342)

امیر اسدالله علم که پس از توافق آمریکا و شاه ایران در 28 تیرماه 1341 به نخست‌وزیری رسیده بود، سرانجام پس از بیست ماه صدارت به اراده شاه و بدون اعتنا به قوه مقننه استعفا کرد و جای خود را به حسنعلی منصور داد. این استعفا و سپس انتصاب منصور، از نظر سرعت عمل در مشروطیت ایران بی‌سابقه بوده است زیرا در همان روز که علم از کار بر کنار شد، منصور به این مقام انتخاب گردید و او که از ماه‌ها قبل مهیای این منصب بود، در همان روز، وزرای خود را معرفی کرد. از نظر ملت ایران دوران حکومت اسدالله علم، یکی از تاریک‌ترین ایام در روزگار سیاه سلطنت محمدرضا پهلوی است. برگزاری رفراندوم فرمایشی شاه و ملت، حمله به مدرسه فیضیه و بالاخره قیام خونین پانزدهم خرداد 42، از جمله وقایع مهم این دوران می‌باشند. پس از علم، منصور که مورد حمایت انگلیس و آمریکا بود، بر سر کار آمد و شاه بار دیگر خوش خدمتی خود را به اربابانش نشان داد. منصور نیز طی دوران صدارتش، زمینه‌های قانون ننگین کاپیتولاسیون را فراهم آورد و پس از اعتراض امام خمینی (ره) به این مصوبه، آن حضرت را به ترکیه تبعید نمود. سرانجام حسنعلی منصور در بهمن سال بعد، توسط جوانان مؤمن هیئت مؤتلفه اسلامی اعدام انقلابی شد و بر کارنامه ننگین او، مهر ابطال خورد.

اعتراقات مقامات سیاسی و رسانه‌های گروهی مبنی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی (1362 ش)

پیروزی‌های متوالی نیروهای اسلام در جبهه‌های جنگ در طی عملیات‌های والفجر 5 و 6 و عملیات خیبر، باعث شد تا به دستور شیطان بزرگ، آمریکا و همکاری دولت‌های اروپایی همچون انگلستان و آلمان، نظامیان شکست خورده رژیم بعث عراق، آخرین امید خود را که سلاح شیمیایی بود به کار گیرند و با فرو ریختن بمب‌های شیمیایی و سمی در میدان‌های نبرد حق علیه باطل، بخت خود را بیازمایند. رژیم بعث عراق و هم‌پیمانان خارجی آنان، همیشه استفاده از سلاح‌های شیمیایی را انکار می‌کردند اما به دنبال اعزام مجروحان بمباران‌های اخیر شیمیایی به کشورهای اتریش و سوئد برای معالجه و تأیید پزشکان این کشورها مبنی بر استفاده عراق از این سلاح‌ها و نیز دیدار سفرا و کارداران کشورهای جهان در ایران با مجروحین این بمباران‌ها، مقامات سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان، علی‌رغم سانسور زیاد، مجبور به اعتراف به استفاده رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران اسلامی شدند. همچنین آنان تأکید کردند که هیچ‌گونه توجیهی برای استفاده از این سلاح‌ها در طول جنگ تحمیلی پذیرفتنی نیست. در حالی که این سلاح‌ها، فوق‌العاده خطرناک و در سطح بین‌المللی ممنوع می‌باشند، با این حال، رژیم بعث عراق، بارها آن را در طول جنگ علیه رزمندگان اسلام به کار برده است، اما هرگز نتوانستند اراده ملت مسلمان ایران را در راه جهاد علیه کفر و ظلم، تضعیف نمایند.

استاد حسین قوامی معروف به فاخته، از استادان نامدار موسیقی اصیل ایرانی، در سال 1286ش در تهران به دنیا آمد. او آواز را نزد استادان مشهور آموخت و طی چند سال، ردیف‏ها و دستگاه‏های موسیقی را به خوبی فرا گرفت. استاد قوامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، هنر و دانش خود را در اختیار علاقه‏مندان موسیقی سنتی ایران قرار داد. از وی آثاری به همراه پیانوی محجوبی و دیگر نوازندگان در دست است. وی در سال 1367 ش، موفق به دریافت نشان درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. استاد قوامی سرانجام در 17 اسفند 1368 در هشتاد سالگی در تهران درگذشت و در امامزاده طاهر کرج مدفون شد.

" " ‏ (1371)

استاد احمد عبادی، هنرمند و استاد برجسته سه تار و موسیقی اصیل ایرانی، در سال 1283ش در تهران به دنیا آمد. وی در کودکی پدر را از دست داد و تحت تکفل برادرش قرار گرفت. احمد عبادی از نوجوانی به فراگیری موسیقی ایران پرداخت و پس از سال‏ها نواختن سه‏تار، شیوه جدیدی را در نواختن این ساز ارایه و این شیوه را متداول کرد. استاد عبادی در تعلیم موسیقی به دیگران بسیار کوشا بود و از طریق آموزش پیگیر و تشویق شاگردانش به تمرین و ممارست، موسیقی اصیل ایرانی را رشد و توسعه داد. احمد عبادی معلمی دلسوز و مهربان بود و با سخاوت فراوان، آنچه را در سینه داشت برای هنرجو در کف قرار می‏داد. او ردیف‏های موسیقی ایران را گردآوری کرد و آنها را به شاگردانش آموخت. از استاد عبادی، آثار بسیاری در موسیقی به جای مانده که برای دوستداران موسیقی سنتی ایران، گنجینه‏ای گران‏بهاست. از جمله این آثار، اجرای کوک‏های مختلف سه تار است که حاصل هشتاد سال تجربه اوست. استاد احمد عبادی سرانجام در هفدهم اسفند 1371ش در 88 سالگی درگذشت.

" " ‏ (1328)

شیخ محمدتقی بهلول، خطیب و واعظ شهر اهل خراسان، در گناباد به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی نزد پدر دانشمندش، به سبزوار رفت و به ادامه‏ی تحصیل پرداخت. همزمان به وعظ و خطابه روی آورد و در اندک زمانی در این فن به مهارت دست یافت. پس از واقعه‏ی کشف حجاب توسط رضاخان، در اجتماع عظیم مردم مشهد در مسجدگوه‌رشاد علیه رژیم پهلوی سخنان تندبی بیان کرد که به عکس العمل رژیم و کشتار تعداد زیادی از زائران حرم رضوی انجامید. از آن پس از مشهد متواری گردید و راهی افغانستان شد. از آن جا که سیاست افغانستان آن روز، در راستای سیاست ایران بود، حکام افغان برای این که روابط دو طرف به تیرگی نگراید، بهلول را زندانی کرده و بیش از 30 سال در زندان نگاه می‏دارند. بهلول پس از آزادی، به ایران، مصر، عراق و دیگر کشورهای عربی رفته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وارد جمهوری اسلامی ایران می‏شود.

" " ‏ (1377)

سیدعبدالحسین شرف الدین عاملی در سال 1290 ق در کاظمین دیده به جهان گشود. سال‏های ابتدایی حیات خویش را در کنار پدر به فراگیری ادبیات عرب، صرف، نحو، لغت، معانی و... گذراند. آیات عظام شیخ الشریعه‏ی اصفهانی، آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی از جمله اساتید ایشان بودند و مورد تایید آن‏ها قرار گرفت. شرف الدین در سال 1322 ق راهی جبل عامل لبنان گردید و به ارشاد مردم و تدریس همت گماشت. وی در سال 1330 ق علما و رهبران جبل عامل را به قیام علیه فرانسویان فراخواند و فتوای جهاد صادر کرد. این مبارزه، مشکلات فراوانی برای او به وجودآورد که ایشان در راه آرمان خویش، تحمل نمود. سرانجام روح قدسی سیدعبدالحسین شرف‏الدین در در 88 سالگی از حجاب تن رهایی یافت و به ملکوت اعلی پرواز کرد. بدن پاک ایشان با تجلیل فراوان در کنار استادش، سیدمحمدکاظم یزدی، در صحن مطهر امیرالمؤمنین(ع) دفن گردید. مهم‏ترین کتاب شرف‏الدین "المراجعات" در کلام و عقاید نام دارد.

" " ‏ (1274)

قدیس توماس آکویناس، معروف به حکیم آسمانی و یکی از بزرگ‏ترین قدیسان کاتولیک، در سال 1226م در نزدیکی شهر ناپل ایتالیا در خانواده‏ای از طبقه ممتاز به دنیا آمد. وی در ابتدا در صومعه به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و سپس در دانشگاه شهر ناپل به تحصیل فلسفه مشغول شد. آکویناس در دوران تحصیل غالباً خاموش و متفکر بود و پس از اتمام تحصیلات به مطالعه آثار فلسفی روی آورد، تا این‏که به نشر افکار خود مشغول گردید. توماس آکویناس معتقد بود که الهیات و علوم، تناقضی با یک‏دیگر ندارند زیرا سر و کار هر دو با حقیقت است و حقیقت هم قابل تجزیه نیست. وی بر اساس همین تفکر، به نوشتن شرح و تفسیرهایی بر آثار ارسطو پرداخت و کوشید تا میان فلسفه مابعدالطبیعه ارسطویی با عقاید مسیحی و اخلاق یهودیت تلفیقی به وجود آورد. این عمل، یکی از بزرگ‏ترین کارهایی است که در فلسفه صورت گرفته است و برجسته‏ترین مرحله فلسفه مدرسی و نظرات مطرح شده در مدارس قرون وسطی به شمار می‏رود. در فلسفه مدرسی، که نظام فلسفی قدما کیسا بود، ایمان بر عقل ترجیح داده می‏شد و عقل، متکی بر ایمان قلمداد می‏گردید. آکویناس هم‏چنین از آراء ابن رشد، فیلسوف مسلمان اندلسی، استفاده بسیار کرد و نظرات علمی خود را نیز بر آن افزود. او از این مسیر، ترکیبی به وجود آورد که نزدیک به چهارصد سال، فلسفه رسمی حوزه‏های علمی و مذهبی اروپا بود و هنوز هم در میان دانش‏پژوهانی که مقید به اصول دیانت کاتولیک هستند، محترم و معتبر است. آکویناس مانند نویسندگان انجیل معتقد بود که بزرگ‏ترین خیر و سعادت برای بشر، سیر به سوی کمال الهی است. وی هم‏چنین همانند ارسطو بر این عقیده بود که در درون هر کس، صورتی یا نیرویی وجود دارد که قادر است او را به فرشته‏ای تبدیل کند. آکویناس علی رغم دارا بودن خانواده‏ای ثروتمند و بانفوذ، از جامعه فاصله گرفت و نظام اندیشه‏ای خود را برپا کرد. برخی از عقاید او عبارت از این است که می‏گفت: اگر شما به خوبی و نیکی خداوند ایمان داشته باشید می‏توانید برای عالمی که اجزای آن با هماهنگی در کارند و حقیقت اعلای آن، رستگاری روح جاویدان آدمی است، یک فلسفه عقلانی طرح کنید. او می‏گفت: در حقیقت، ما به این جهان آمده‏ایم تا از راه استیلا بر بدی‏ها به نیکی‏ها دست یابیم. زیرا بدی، تلاش برای جدا ساختن انسان از انسان، و انسان از خداست، اما نیکی، حاصل وحدت مجدد میان خدا و انسان است. در این میان نیروی محرکی که ما را یاری می‏رساند، عشق الهی به مخلوقات خود می‏باشد. وی معتقد بود که در خداوند، ماده به معنی جنبه نقص وجود ندارد و تنها صورت یا کمال راه دارد. کلیسا تا مدت‏ها از پذیرفتن آراء آکویناس خودداری می‏کرد، ولی سرانجام فلسفه او را که تومیسیم نام داشت پذیرفت. بزرگ‏ترین خدمت توماس آکویناس به پیشرفت علوم، توجه فوق العاده وی به مذهب اصالت عقل است. او می‏گفت دلیل و منطق‏عالی‏ترین وسیله در راه بسط مرزهای دانش بشری است. همین طرز تفکر بود که موجب شد علم و دانش که مدت مدیدی در اروپا از اعتبار افتاده بود و میراث کفر و بت‏پرستی تلقی می‏شد بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و ارزش یابد. آکویناس، زندگی و حیات پس از مرگ را لازم می‏دانست و آن را ادامه حیات انسان می‏شمرد. توماس آکویناس سرانجام در هفتم مارس 1274م در 48 سالگی درگذشت. با این حال، وی از کوتاهی کتاب زندگی خود در این جهان متأسف نبود و می‏گفت: اگر خداوند مرا در سنی کمتر از دیگران، دانایی بیشتر عطا کرده است، برای آن است که می‏خواسته است، زودتر مرا به سوی جلال و عظمت خود باز خواند.